

## فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۲۸۷-۳۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱



### طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین

مهتاب مقیمی<sup>۱</sup>، حمیدرضا ایمانی<sup>۲\*</sup>

#### چکیده

یکی از مهم ترین قوانینی که در توسعه روابط مالی مردم در گذر زمان نگاه دقیق تر به آن شده قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی می باشد، که تا حدودی بازنگری و ترمیم آن طی سال های متمادی به طول انجامیده و اجرای مؤثر رأی و وصول محکوم به، غایت دادرسی عادلانه محسوب می گردد. اهمیت این قانون از آن جهت است که نظامات و ترتیبات جدیدی را ابداع نموده که در قوانین اجرایی مسبق به سابقه نمی باشد و همین امر بازنگری جدی در قانون نحوه اجرای محکومیت مالی را ضروری و لازم کرده است. به این ترتیب در سال ۱۳۹۴ با کوشش بسیار وکلای دادگستری و دستگاه قضایی، قانونگذار به واقع کوشش زیادی انجام داد تا قانون فعلی و اصول و مفاهیم نوین و اصلاحات مفیدی را تبیین کند. در کنار این تغییرات نارسایی هایی نیز در اکثر مواد قانون مذکور موجب شده که کارگزاران قانون در تفسیر و تعبیر آن دچار مشکل شوند. در راستای تبیین و تفسیر اصول و احکام مقرر در این قانون نگارندگان در خصوص طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین کوشیده اند و به بررسی این موارد با روش تحلیلی - توصیفی پرداخته اند.

واژگان کلیدی: نظام شناسایی اموال، محکوم علیه، محکوم له، اعسار، مستثنیات دین.

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* استادیار گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: hamidrezaimani@yahoo.fr

#### مقدمه

شاید بتوان گفت مهم‌ترین مقطع هر دادرسی برای محکوم له اجرای موثر حکم قطعیت یافته است. غایت و هدف نهایی محکوم له از اقامه دعوا و پیشبرد پروسه ی آن در نهایت اجرای حکم و اخذ محکوم به است و اجرای مؤثر رأی و وصول محکوم به مالی غایت دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد. با درک همین اهمیت دولت ها همواره درصدد تصویب و تقنین قوانینی بوده اند که بهترین راهکار را برای اجرای حکم پیش بینی نمایند. راهکاری که علاوه بر اینکه بتواند حقوق محکوم له را حفظ نماید. در عین حال در مواردی که محکوم علیه امکان پرداخت موضوع محکومیت خود را ندارد، سازوکار مناسب را برای مساعد نمودن شرایط وی و تسهیل در پرداخت محکوم به و به نوعی حمایت از ایشان را در نظر بگیرد. با این حال همواره قانونگذاران به فکر آن هستند که قوانین را به نوعی تنظیم نمایند که راه های سوءاستفاده احتمالی را نیز ببندند. قانون گذار ایرانی نیز با درک همین اهمیت و ضرورت، در طول تاریخ قانونگذاری اقدام به تصویب، تقنین و اجرایی کردن قوانینی نموده است تا حفظ قواعد و احکام ناظر بر نحوه و شیوه ی اجرای محکومیت های مالی را وضع و اشخاص را به اجرا نمودن آن الزام نماید.

البته همواره به سبب ارتباطی که بین قوانین دادرسی مدنی کشور با قواعد ناظر بر اجرای احکام مدنی وجود داشته، پاره ای از احکام مربوط به نحوه اجرای محکومیت مالی در قلب این قوانین تقنین می‌یافت. در سال های اخیر با آشکار شدن نواقص عملی و فقهی قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ باعث شد که از سوی قوه قضائیه لایحه جدید مطرح گردد. لایحه اولیه قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی در سال ۱۳۹۱ در کمیسیون قضایی مجلس مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و سپس در صحن علنی مجلس مطرح و مورد تصویب وکلای مردم قرار گرفت که با مخالفت های شورای نگهبان قانون اساسی مواجه شد و در نهایت در راستای رفع ایرادات و اشکالات این قانون، قانون نحوه اجرای محکومیت مالی در سال ۱۳۹۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و پس از تصویب لازم الاجرا شد. اهمیت این قانون از آن جهت است که نظامات و ترتیبات جدیدی را ابداع نموده که در قوانین اجرایی مسبق به سابقه نمی‌باشد. با توجه به جمیع مطالب ابرازی به نوین بودن قانون فعلی و اصول و مفاهیم نوین آن،

۲۸۹.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

بررسی نوآوریها و دستاوردهای قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴ یک ضرورت به نظر می‌رسد زیرا که در برخی از مواقع مقدمه و در برخی دیگر از موارد تکمیل کننده قانون اجرای احکام مدنی می باشد.

### ۱. انواع اعسار

اعسار مطلق عبارت است از اینکه شخص معسر به طور کل نمی‌تواند بدهی یا هزینه دادرسی خود را پرداخت کند چه به صورت یکجا و چه به صورت قسطی. منظور از اعسار نسبی اعساری است که در آن شخص نمی‌تواند بدهی یا هزینه دادرسی خود را یکجا پرداخت کند اما توانایی پرداخت آنها را به صورت قسطی را دارد. که حال در این گفتار نگاهی به انواع اعسار داریم.

#### ۱-۱. اعسار از هزینه دادرسی

به دلالت ماده ۵۰۴ قانون آئین دادرسی مدنی: «معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست»

این ماده در مقام بیان معسر از هزینه دادرسی است مطابق این ماده شخصی به دو جهت معسر شناخته می شود یا اینکه دارایی او به حدی نباشد که بتواند هزینه دادرسی را بپردازد و یا اینکه مال و اموال دارد اما دسترسی به آنها ندارد اعسار وصف غیربازرگان و کسبه جزء دانسته شده است. در مقابل معسر مفلس وجود دارد. وقتی معسر از تأدیه هزینه دادرسی معاف باشد مفلس از این معافیت بهره می برد. به دلالت ماده ۵۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی هم ضمن دادخواست اصلی ممکن است و هم به صورت جداگانه ممکن است.

#### ۱-۲. اعسار از محکوم به

دعوای اعسار از محکوم به دعوایی است که موجب آن محکوم علیه حکم مالی، به علت بی بضاعتی مالی نسبت به اجرای آن اظهار ناتوانی می کند. بنابراین دعوای اعسار از محکوم به، در قلمرو احکامی راه دارد که محکوم به، آنها دادن مال به دیگری است

طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین..... ۲۹۰

اعم از اینکه رد مال عینی باشد یا دینی و اعم از اینکه رد مال ناشی از دادرسی کیفری باشد یا دادرسی مدنی.

لازم به ذکر است ذینفع حکم دادن مال، خزانه دولت از باب جزای نقدی نباشد یعنی پرداخت به خزانه دولت مورد نظر نباشد و محکومیت به پرداخت وجه به دیگری مورد نظر باشد.

#### ۳-۱. اعسار از پرداخت جزای نقدی

در مورد ناتوانی در پرداخت جزای نقدی قانون‌گذار اعسار از آن را پیش‌بینی ننموده، ادعای عدم توانایی برای پرداخت جزای نقدی در قالب تقاضای تقسیط جزای قدیم طرح می‌گردد و گروهی متعدد به ضرورت تقدیم دادخواست برای این تقاضا و گروهی متعدد به عدم نیاز به دادخواست برای آن هستند، رویه نیز بر مبنای عدم ضرورت تقدیم دادخواست برای تقسیط جزای نقدی شکل گرفته است.

#### ۴-۱. اعسار از هزینه کارشناسی

در مورد معافیت از پرداخت دستمزد کارشناس، مقررات موضوعه راهی غیر از دعوای اعسار پیش‌بینی کرده است که با سهولت بیشتری مقصود اشخاص بی بضاعت را تأمین می‌کند، لذا نیازی به اقامه دعوای اعسار نمی‌باشد. زیرا برابر ماده ۲ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی اصلاحی ۹۲/۷/۳۰ ریاست محترم قوه قضائیه در این خصوص تعیین تکلیف و در تبصره ۴ آن مقرر شده است: «در صورت عدم استطاعت مالی متقاضی کارشناسی، به تشخیص مرجع قضایی مربوط مراتب جهت معرفی کارشناس معاضدتی حسب مورد به کانون یا مرکز اعلام تا معرفی گردد. بنابراین چون راه قانونی برای معافیت از پرداخت دستمزد کارشناس مفتوح است اقامه دعوای اعسار متفی و در صورت اقامه چنین دعوایی قرار عدم استماع آن توسط مراجع قضایی صادر می‌شود».

#### ۵-۱. اعسار در پرداخت مهریه

اگر در زمان طلاق از طرف مرد، مرد توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد می‌توند دادخواست اعسار از پرداخت مهریه را مطرح کند. در این صورت دادگاه ادعای مرد را بررسی کرده و در صورتی که ادعای او درست باشد پرداخت مهریه را برای او قسط-

۲۹۱.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

بندی می‌کند. اما اگر ادعای اعسار مرد رد شود یا زن بتواند مال یا حساب بانکی از شوهر خود به دادگاه معرفی کند، درخواست اعسار مرد رد شده و او باید مهریه را به صورت یکجا بپردازد، در غیر این صورت بازداشت می‌شود.

در مورد مهریه عندالاستطاعه، زن باید توانایی مالی مرد برای پرداخت مهریه را اثبات کند و در این مورد مرد نیازی به طرح دادخواست اعسار ندارد.

## ۲. طرق شناسایی اموال معسر

همانطور که در فوق به طور کامل در مورد انواع اعسار گفته شد درمیابیم که فقط در صورت اعسار از محکوم به، باید دادخواست اعسار و معرفی و اعلام اموال مدیون توسط خودش صورت پذیرد.

جهت گیری دعوای اعسار معافیت مدعی اعسار از پرداخت هزینه ای است که ضمانت اجرای حبس به دنبال داشته و هیچ راهی جز اقامه دعوای اعسار برای آن نیست و محکوم علیه خود با دادخواستی (اعلام و معرفی اموال خود) طرح دعوی اعسار می‌کند که در مرحله اول به طریق اعلامی به وسیله خود محکوم علیه و در مرحله بعد به طریق تفتیشی توسط دادگاه صلاحیت دار اموال محکوم علیه استعلام و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱. نهاد شناسایی اموال در ادعای اعسار محکوم علیه

در قوانین سابق طبیعی است که با عدم وجود نحوه اجرای تأسیس شناسایی اموال محکوم علیه برای اجرای حکم هیچ نهادی و ترتیباتی برای شناسایی اموال داده نشده بود. در قوانین جدید که مهمترین تحولی که در آن صورت گرفت طریقه شناسایی اموال است، تأکید بر این است که دادگاه باید به درخواست محکوم له یا خوانده دعوای اعسار به مراجع ذی ربط دستور دهد که اموال محکوم علیه را به دادگاه اعلام کنند.

در ادعای اعسار درخواست خوانده دعوی اعسار در وهله اول مهمترین بخش رسیدگی می‌باشد که قانونگذار در ماده ۱۰ این قانون و در فرضی که محکوم علیه دادخواست اعسار داده دادگاه را مکلف نموده که به مراجع ذیربط دستور دهد و خود استعلامات اموال محکوم علیه را رأساً و بدون درخواست محکوم له به عمل آورد.

در حال حاضر گزارشات اصلاحی مانند احکام دادگستری اجرا می گردند و مفاد آن در اجرائیه صادره قید می گردد و در اجرای ماده ۳۴ ق.ا.ا.م. به محکوم علیه ابلاغ می شود که ظرف ده روز نسبت به پرداخت موضوع گزارش با معرفی اموال خود اقدام نماید. به موجب ماده ۲۷ ق.ن.ا.م.م. عمل به مفاد اجرائیه مذکور نیز منجر به اعمال قواعد و طرق ویژه شناسایی اموال محکوم علیه می گردد.

در قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ هیچ صراحتی برای لزوم تقدیم دادخواست برای اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به، وجود نداشت با این حال در موادی که از این قانون به طور ضمنی به این مسأله اشاره شده بود، ماده ۲۲ قانون اعسار مقنن ضمیمه شدن شهادت نامه چهارنفر شاهد را به عرض حال اعسار که کاملاً از وضعیت مدعی اعسار آگاه باشند لازم و ضروری می دانست.

در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی اصل لزوم تقدیم دادخواست برای پذیرش دعوی مدنی از جمله دعوی اعسار تصریح شده است. قانونگذار در برخی از موارد قانون جدید مانند مواد ۱۰، ۱۵ و ۱۶ به دادخواست اعسار اشاره کرده که در حین تقدیم دادخواست معرفی لیست اموال محکوم علیه توسط خودش جزء رسیدگی می باشد با این وجود پرواضح است که با توجه به ماده ۴ قانون جدید مهلتی ۳۰ روزه به محکوم علیه داده می شود تا دعوی اعسار خود را اقامه نماید و ضمن ارائه کلیه اموال خود منتظر بماند تا از حبس نجات یافته در غیراینصورت با گذشت سی روز محکوم علیه نسبت به اجرای حکم تمکین نکند حبس خواهد شد.

## ۲-۲. ارائه صورت اموال و دارائی محکوم علیه در دعوی اعسار

این نوآوری در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت مالی ناظر بر تکلیف جویی است که برای مدعی اعسار پیش بینی شده است این تکلیف که ناظر به ارائه صورت دارایی و اموال شخص می باشد در مواد ۳ و قسمت اول ماده ۸ ق.ن.ا.م.م. وضع گردیده است. در ماده اخیر چنین مقرر شده است: «مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانک ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و

۲۹۳.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یکسال قبل از طرح دعوا اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۵۴).

در این جا با توجه به توضیحات داده شده اعلام و معرفی اموال توسط محکوم علیه صورت می‌گیرد و در نهایت هم بررسی اموال توسط دادگاه و از طریق مراجع ذیربط یا هر طُرق از نهاد شناسایی تکلیف دادگاه می‌باشد.

### ۳. ادله اثبات دعوی در اعسار

ادله اثبات دعوا عبارت از وسایل و ابزاری هستند که برای اثبات دعوا به کار برده می‌شوند. در غالب مواردی اثبات دعوی مدنی منوط به استفاده از ادله خاصی نیست و با تمام ادله اثبات است. اما در پاره ای از موارد مقنن اثبات امری را منوط به ارائه ی دلیل به خصوص نموده است. برای مثال در دعوی خلع ید اثبات مالکیت ملک و النهایه خلع ید از مال موضوع دعوا مستلزم ارائه سند رسمی مالکیت است.

دعوی اعسار نیز به طور کلی با ادله اثبات دعوا قابل اثبات است و از نظر کیفیت و کمیت نباید تفاوتی با سایر دعاوی داشت باشد.

#### ۳-۱. استعلام اموال مدیون از مراجع ذیربط به عنوان ادله اثبات دعوا در اعسار

قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در حالی در سال ۹۴ از سوی قانون‌گذار اصلاح شد که اثبات اعسار یا عدم اعسار، در آن تفاوتی با قانون قبل دارد، در قانون قدیم معرفی مال مدیون و اثبات تمکن مالی مدیون برعهده طلبکار بود ولی در قانون جدید اثبات عدم تمکین مالی برعهده مدیون قرار گرفته و دادگاه مکلف شده راجع به وضعیت مالی مدیون از مراجع ذیصلاح استعلام و اقدام کند.

قبل از قانون جدید ن.ا.م.م. طرح دعوی اعسار به ضمیمه استشهادیه ای که ۴ نفر شاهد امضاء کرده بودند مطرح می‌شد و دادگاه پس از استماع شهادت شهود اتخاذ تصمیم می‌کرد، ولی با توجه به قانون جدید علاوه بر معرفی شهود و اخذ شهادت به عنوان ادله اثبات دعوی پس از تقدیم دادخواست، دادگاه مکلف شده از مراجع مربوطه مثل اداره ثبت اسناد و املاک بانک مرکزی تحقیق و استعلام کند که در اینجا به وضوح می‌توان به وجود نظام شناسایی تفتیشی اشاره کرد (حسنی و اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۹).

یکی از تحولات اساسی دیگر که در قانون جدید ن.ا.م.م. همین امکان استعلام وضعیت مالی مدعی اعسار از مراجعی است که قانوناً امکان داشتن اطلاعاتی را در این باره دارند، است. ماده ۱۰ قانون جدید در این باره مقرر می دارد: «پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذیربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام نماید.»

شاید درباره‌ی این امر چنین به ذهن خطور نماید که استعلام را چگونه می توان از ادله مثبتی دعوای اعسار یا ایسار دانست. که در پاسخ باید گفت استعلام دادگاه از مراجع ذیربط را می توان مصداقی از ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. دانست که به موجب آن دادگاه مجاز گشته تا هر نوع تحقیقاتی را که بخواهد انجام دهد و شاید بتوان آن را زیر مجموعه تحقیق محلی مورد توجه قرار داد. به هر روی نتایج این استعلام اثر مستقیمی در ثبوت یا نفی دعوای اعسار خواهد داشت و فقط به نقطه ضعیفی در این ماده باید اشاره شود به این ترتیب که از عبارت «به هر نحو دیگر» زمانی استفاده می شود که منظور قانونگذار به تمامی طرق پیش بینی شده و پیش بینی نشده باشد که در اینجا معلوم و معین نیست که منظور از این عبارت به درستی توسل به کدام ابزار دیگر برای شناسایی اموال محکوم علیه می باشد و همینطور این عملکرد برای ادای این تکلیف تا چه حدی است؟

نکته قابل ذکر در اینجا در مورد این ماده این است که این گرفتن استعلام و گذاشتن این تکلیف برعهده دادگاه صلاحیت دار منافاتی با حق محکوم له برای درخواست شناسایی اموال مدیون که در ماده ۲ و ۱۹ همین قانون پیش بینی شده است، ندارد. به عبارتی نیاز نیست که پروسه شناسایی اموال محکوم علیه در این ماده با درخواست محکوم له صورت گرفته باشد بلکه به محض ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف می گردد رسماً اقدام به تحقیق در مورد میزان دارایی مشارالیه نماید.

### ۳-۲. شهادت یا گواهی

همان طور که قبلاً نیز گفته شد دعوی اعسار نیز به طور کلی شامل اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از پرداخت محکوم به است. تا قبل از تصویب قانون جدید اعسار از



۲۹۵.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

پرداخت محکوم به، به استناد ماده ۲۳ قانون اعسار سال ۱۳۱۳ مستلزم ارائه چهار شاهد بود.<sup>۱</sup>

با این حال در دعوی اعسار از پرداخت هزینه‌ی دادرسی شهادت دو نفر کافی بود و در این باره ماده ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی را می‌توان به عنوان مستند قانونی ذکر کرد.<sup>۲</sup>

رویه قضایی به قدری در این زمینه شفاف بود که اختلاف و تشتت آرای ملاحظه نمی‌گردید. با این حال قانون جدید امکان اثبات دعوی مدنی را از حیث به کاربردن ادله نسبت به محکوم‌علیه بهبود بخشید و شرایط مساعد تری را برای وی در نظر گرفت. هرگاه بر اساس ماده ۷ ق.ن.ا.م.م ۱۳۹۴ بار اثبات دعوی اثبات برعهده مدیون باشد مقنن راهکارهای خاصی را برای اثبات این دعوی پیش بینی کرده است. در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی علاوه بر آن که ترکیب ادله بهم خورده است نهاد جدیدی نیز برای شناسایی وضعیت معسر در قانون پیش بینی شده که احراز واقعیت را بیش از پیش آسان می‌سازد (برای اطلاعات بیشتر رک به گرامی، و فروغی، ۱۳۹۴: ۱۵).

قانون‌گذار به این نتیجه رسیده است که اگر اثبات وضعیت اعسار را تنها بر دوش خود مدعی اعسار واگذارد، ممکن است مشارالیه با توسل به ادله کذب و دروغین واقعیت را وارونه جلوه داده و یا با پنهان کردن اموال خود قصد فریب دادگاه و تضییع حقوق محکوم له را داشته باشد. اولین تغییری که در این راستا در قانون جدید ایجاد شده ترکیب و کیفیت ادله است.

اول اینکه قانون‌گذار به مدعی اعسار این اختیار را داده است که دعوی خود را با توسل به شهادت و سوگند ثابت نماید و در حقیقت مدعی اعسار را در انتخاب شهادت برای اعسار مختار گذاشته است. این در حالی است که قانون سابق تنها راه اثبات وضعیت

---

<sup>۱</sup> ماده ۲۳ قانون اعسار سال ۱۳۱۳ مقرر می‌داشت: «مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی که از وضعیت معیشت و زندگی او مطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه کند».

<sup>۲</sup> ماده ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر کرده است: «در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل دو نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می‌باشد به دادخواست ضمیمه شود».

اعسار را شهادت شهود دانسته بود. با توجه به قسمت دوم ماده ۸ ق.ن.ا.م.م ۱۳۹۴<sup>۳</sup> ملاحظه می گردد بر خلاف قانون اعسار سابق، شهادت نامه دست کم دو شاهد برای اثبات وضعیت اعسار کافی است و نیازی به بیشتر از آن نیست. در مورد جنسیت شاهدین هم به نظر می رسد زن یا مرد بودن آنها تأثیری نداشته باشد و شهادت دو شاهد زن نیز برای اثبات امر کافی به نظر می رسد.<sup>۴</sup>

برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند حکم این ماده در مورد اثبات اعسار در زمانی که بار اثبات دعوا بر عهده مدیون است لازم الاجراست و در مورد اثبات مال دار بودن و اثبات ایسار او قابل اجرا نیست (بهرامی، ۱۳۹۴: ۸۶).

با تأیید این دیدگاه باید اعتقاد داشت اثبات ایسار با توجه به اینکه تصریحی در مورد کم و کیف آن در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی وجود ندارد بر اساس عموماً ادله در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی صورت خواهد پذیرفت.

پرسشی که در این مبحث قابل طرح و بررسی است آن است که ضمانت اجرای عدم ضمیمه کردن شهادت نامه کتبی چیست؟

برخی حقوقدانان در زمان حکومت قانون سابق چنین ادعا کرده بودند که حاضر نکردم شهود یا ضمیمه نکردن شهادت نامه چهار نفر شاهد به دادخواست از موارد نقص دلیل موضوع بند ۶ ماده ۵۱ ق.آ.د.م است که باید در نهایت دادگاه در اجرای ماده ۵۲ به بعد همین قانون اقدام به صدور قرار توقیفی دادخواست و ارسال اخطار رفع نقص به خواهان و اعطای مهلت ده روزه برای رفع نقص به وی نماید (مهاجرانی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۸۷).

با این حال در مقابل می توان چنین نظر داد که، با عدم ضمیمه شدن شهادت نامه کتبی دو نفر شاهد به دادخواست اعسار، دادگاه با توجه به اینکه دلیل کافی و متقن برای

<sup>۳</sup> قسمت دوم ماده ۸ ق.ن.ا.م.م ۱۳۹۴ در این باره مقرر می دارد: «..... در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملاتت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند.

<sup>۴</sup> شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.»

۲۹۷.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

اثبات این وضعیت وجود نداشته است، باید حکم به بطلان دعوای اعسار صادر نماید. دیدگاه اول مساعد تر به حال مدیون و دیدگاه دوم منطبق با نصوص قانونی است.

در قسمت اخیر ماده ۸ نیز به تکلیف دیگری اشاره شده که در ماده ۹ همان قانون چنین بیان گردیده است: « شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.» مبنای تقنین این ماده کسب اطمینان از اینکه کسی که به عنوان شاهد برای شهادت به نفع مدیون حاضر می شود بالواقع از وضعیت معاش اول اطلاع داشته باشد. مقنن فرض گرفته است که مدت زمانی کم برای شناخت وضعیت اقتصادی و معاش اشخاص کافی نیست. نکته قابل توجه در این مقرر آن است که هیچ حد نصابی برای تعیین این میزان آشنایی وجود ندارد و معیاری نیز برای آن ارائه نشده است. در حقیقت معلوم نیست چند ماه و یا سال مرانده اجتماعی برای شناخت از وضعیت مالی و معاش اشخاص کافی است. البته نوع زندگی اشخاص نیز در این مورد بی تأثیر نیست.

قید قانونی نحوه امرار معاش باعث می گردد که از طریق غیر قانونی کسب درآمد یا شغل های کاذب، هرچند که میزان آن زیاد باشد، تأثیری در وضعیت مدیون نداشته باشد. قیدی که مبنای آن می تواند جلوگیری از شکسته شدن قبح ارتکاب و توسل به طرق غیر قانونی کسب درآمد باشد. پس مقنن با آوردن این قید گرچه طرق غیر قانونی کسب درآمد را معتبر ندانسته است ولی به جنبه های شرعی پاک بودن منشأ وجوه و درآمد توجه نموده است. بر اساس این اگر کسی دزدی یا اختلاس نماید تا دین دیگری را بدهد، عرض خود را می برد و عملش مباح نیست. به ویژه اگر مال دیگری را بدزدد تا حق بستانکار را بدهد و بزه دیده طبیعتاً حق دارد استرداد مال تلف شده را با توجه به حق عینی که بر آن دارد از مدیون و یا دائن درخواست نماید (مشهدی زاده، ۱۳۹۵: ۲۸).

#### ۴. آثار پذیرش اعسار در قانون جدید

پس از بررسی نوآوری های قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی در مورد ارکان اقامه دعوای اعسار و تکالیفی که برای مدیون پیش بینی شده است فرصت آن

است که با فرض پذیرش دعوی اعسار آثار مترتب بر آن و تحولات و نوآوری‌هایی که در قانون جدید نسبت به این مسائل ایجاد شده را مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۴-۱. آزاد شدن از حبس

اولین و اساسی‌ترین اثری که از اثبات دعوی اعسار ایجاد می‌گردد آن است که اگر مدیون در اجرای ماده ۳ قانون جدید حبس شده باشد از حبس آزاد می‌شود. در قانون سابق نیز به صرف اینکه اعسار محکوم علیه ثابت می‌گردید وی از زندان آزاد خلاصی می‌یافت. البته در قانون جدید تغییراتی در این مورد ایجاد شده است.

در زمان حکومت قانون سابق بین حقوقدانان در مورد اینکه آیا به صرف ادعای اعسار مدیون را باید از زندان آزاد کرد یا آزادی وی منوط به اثبات وضعیت اعسار وی است اختلاف نظر شدیدی وجود داشت. با این حال نصی که در ماده ۳ ق.ن.ا.م.م ۱۳۷۷ به کار گرفته شده بود، راه را برای تفسیر مخالفین سد می‌کرد.

ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۷۷ چنین بیان می‌داشت: « هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد.» در این ماده استفاده از عبارت « در صورت اثبات» به روشنی گویای آن بوده است که از دیدگاه مقنن در صورتی که مدیون در حبس به سر می‌برد، صرف تقدیم دادخواست اعسار باعث نمی‌گردد که مشارالیه از حبس خارج گردد.

در قانون جدید تغییراتی در مورد اثر دعوی اعسار بر حبس محکوم علیه ایجاد گردیده است. تبصره ۱ ماده ۳ قانون جدید که جایگزین ماده ۳ قانون سابق ایجاد شده است چنین مقرر می‌دارد: « چنانچه محکوم علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند.

۲۹۹.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

در صورت رد دعوی اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود نسبت به استیفای محکوم به و هزینه های اجرایی از محل وثیقه یا وجه الكفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ۱۰ روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر است. نحوه ی صدور قرارهای تأمین مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستور ها تابع قانون آیین دادرسی کیفری است».

در این ماده امکان آزادی مدیون محبوس به قید وثیقه یا کفالت پیش بینی شده است. البته صرف این امکان را نباید از ابداعات قانون جدید پنداشت. زیرا در زمان حکومت قانون سابق نیز برخی از حقوقدانان اعتقاد داشتند که بر اساس عموماً آیین دادرسی کیفری امکان آزادی مدیون حبس شده با قرار کفالت یا وثیقه وجود داشت و عدم تصریح در قانون را ناشی از بدهتی می دانستند که در این باره وجود داشت (خدابخشی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

با این حال قانون جدید اگر اختلاف نظری هم در این مورد وجود داشت را هم به تمام رسانده است. بر اساس رویکردی که در این ماده وجود دارد مدیونی که به سبب عدم ایفای تعهدات خود حبس شده در سه حالت می تواند از حبس خارج گردد:

- هرگاه محکوم له بدون دریافت وثیقه یا کفیل رضایت بدهد.

- هرگاه تشخیص دادگاه مدیون با معرفی کفیل یا ارائه وثیقه آزاد شود.

- هرگاه مدیون بتواند دعوی اعسار خود را اثبات کند.

نکته ای که در مورد این ماده باید بدان دقت داشت آن است که به صرف درخواست مدیون برای معرفی کفیل یا دادن وثیقه، دادگاه مکلف به قبول آن نمی‌گردد، بلکه تشخیص این امر در اختیار دادگاه قرار گرفته است. همچنین نوع و مهلت سپردن وثیقه یا معرفی کفیل در دست دادگاه است اما میزان وثیقه ای که ارائه می‌گردد نباید کمتر از محکوم به باشد. در مورد کفیل نیز مقنن از معیار معتبر استفاده کرده و باز مفهوم و ضابطه تشخیص آن مجهول و در دست قاضی دادگاه است.

#### ۲-۴. تقسیط دین

هرگاه دادگاه اعسار مدیون رو احراز نمود و مشخص شد که مشارالیه امکان پرداخت دفعتهاً واحده بدهی خود را ندارد، دادگاه این اجازه را خواهد داشت که با در نظر گرفتن وضعیت مالی، شغلی و اجتماعی مدیون، پرداخت اقساطی بدهی را مقرر کند.

قانون سابق نحوه اجرای محکومیت های مالی این امر را در قسمت اخیر ماده ۳ بدین شکل پیش بینی کرده بود: « ..... چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد».

قانون جدید نیز با تأیید نهاد تقسیط دین آن را با شکل و شمایل جدیدی در ماده ۱۱ پیش بینی کرد. در این ماده می خوانیم: « در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقساط باید میزان در آمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد».

در مقررہ جدید معیار و ضابطه برای تعیین میزان مبلغی که در هر قسط باید پرداخت گردد مشخص شده و قانون گذار ملاک هایی مانند میزان در آمد و معیشت مدیون را از ضوابطی دانسته که دادگاه باید بدان ها دقت داشته باشد. منظور از معیشت نیز میزان مخارج خانه شخص مدیون است، زیرا ممکن است مدیونی در آمد مناسبی در جامعه داشته ولی معیشت بالایی نیز داشته و بدین سان مستحق برای اقساط پایین تری شناخته شود.

دومین تغییر و نوآوری اساسی و مهمی که در این حکم مقرر شده پیش بینی نهاد اعطای مهلت به مدیون در قانون جدید است. در قانون جدید در کنار نهاد تقسیط این اختیار به دادگاه داده شده که نظر به وضعیت مدیون به وی مهلت برای پرداخت دین بدهد. این تجویز با وجود آنکه در قانون سابق نحوه اجرای محکومیت های مالی وجود نداشت، اما امری نامأنوس و غریب نیست و مبنای آن حکم مقرر در ماده ۲۷۷ قانون

۳۰۱... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

مدنی<sup>۵</sup> است. نکته‌ی قابل توجه در مورد این ماده آن است که حکم مقرر در این ماده به تمامی اختلاف نظرهایی که سابقاً در مورد لزوم تقدیم دادخواست برای تقسیط ایجاد شده بود پایان می‌دهد.

برای توضیح بیشتر باید گفت در زمان قانون سابق عده ای از حقوقدانان اعتقاد داشتند امر تقسیط نیازی به تقدیم دادخواست ندارد و دلیل آن را حکم مقرر در ماده ۲۷۷ ق.م. ذکر می‌کردند که از چنین تکلیفی سخن نگفته است. این در حالی بود که عده ای از حقوقدانان نیز بر این استوار بودن که طرح دعوا مدنی در دادگاه‌ها به طور کلی بر اساس یک قاعده عام مستلزم تقدیم دادخواست است (حیاتی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). قانون جدید حتی درخواست تعدیل اقساط را نیز مستلزم تقدیم دادخواست دانسته و به قیاس اولویت می‌توان آن را به خود تقسیط نیز گسترش و تعمیم داد.<sup>۶</sup>

نکته آخر اینکه به موجب تبصره ۱ ماده ۱۱ ق.ن.ا.م.م هرگاه مدیون نسبت به بخشی از دین متمکن از پرداخت شناخته شده و نسبت به بخش دیگر معسر، در این صورت صدور حکم به تقسیط آن بخش از دین که تمکین پرداخت آن را ندارد، دلیل عدم امکان اجرای بخش قابل اجرا نخواهد بود و محکوم له می‌تواند درخواست توقیف و در صورت عدم تأدیه مال حتی درخواست حبس وی را از دادگاه داشته باشد.

#### ۳-۴. پیش‌بینی امکان تعدیل تقسیط

یکی از مباحث مهم در نظام حقوقی ایران جایگاه تعدیل تعهدات است. تعدیل تعهد یا مسئولیت به معنی ایجاد تعادل در هر دو طرف بر اساس شرایط جدید یا مقتضیات اجرا قرارداد می‌باشد (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۱).

---

<sup>۵</sup>. ماده ۲۷۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «متعهد نمیتواند متعهده را مجبور بقبول [به قبول] قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم میتواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد».

<sup>۶</sup>. تبصره ۲ ماده ۱۱ ق.ن.ا.م.م بیان می‌دارد: «هر یک از محکوم له یا محکوم علیه می‌تواند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند».

طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین..... ۳۰۲

تعدیل مسئولیت یا تعهد دارای سه منشأ قانونی، قضایی و قراردادی است. هرگاه متعاملین در قراردادی که با یکدیگر منعقد می نمایند شرطی را بگنجانند که به موجب آن تعدیل تعهدات مقرر در قرارداد امکان پذیر شود، تعدیل قراردادی صورت گرفته است. در برخی از موارد قانون فرمان به تعدیل قرارداد را صادر می نماید. در این گونه موارد نیز تعدیل قانونی است. اما هرگاه امکان تعدیل قرارداد یا تعهدات و مسئولیت های طرفین در دست دادگاه باشد گفته می شود امکان تعدیل قضائی وجود دارد.

در نظام حقوقی ایران تعدیل قرارداد بر اساس اصل و قاعده کلی مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی مورد پذیرش قرار گرفته است. تعدیل قانونی نیز در مواردی مانند تعدیل اجاره بها در عقود اجاره ای که تابع قانون روابط مؤجر و مستأجر هستند مورد پذیرش قرار گرفته است.

در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی این امکان به دادگاه داده شده است که در صورت درخواست هر یک از طرفین، در میزان اقساطی که تبصره ۲ ماده ۱۱ ق.ن.ا.م. ۱۳۹۴ این امر بیان شده است. با توجه به این که اختیار تعدیل کردن یا نکردن در دست قاضی قرارداد داده شده است به نظر می رسد این نوع تعدیل از اقسام تعدیل قضایی قلمداد گردد.

به هر روی تعدیل می تواند به صورت افزایش میزان اقساط با توجه به بهبود وضعیت معاش مدیون یا کمتر شدن آن در صورتی که وضعیت مالی مدیون وخیم تر گردد جلوه گر شود. نکته ی دیگر اینکه در این تبصره دادگاه صالح برای تقدیم دادخواست تعدیل، مشخص نشده است. اما با توجه به ماده ۱۳ همین قانون می توان نتیجه گرفت دادگاهی صالح به تعدیل اقساط است که قرار اقساط صادر کرده و در عین حال دادگاه صالح به رسیدگی به دعوای اعسار از پرداخت محکوم به نیز هست.

نکته بعدی اینکه ممکن است با توجه به اینکه مدیون پس از اثبات اعسار خود و تقسیط بدهی به هر دلیلی متمکن از پرداخت بدهی خود گردد، دادگاه به پرداخت دفعه واحده محکوم به را صادر می نماید.



## ۵. مستثنیات دین

مستثنیات دین اموالی است که قابل توقیف نمی‌باشد محکوم علیه با محکوم شدن به پرداخت دین، حق حیات خود را از دست نمی‌دهد و مصلحت زندگی او ایجاب می‌کند برخی از اموالش از توقیف و مزایده مصون باشد لذا شرع مقدس اسلام و قوانین موضوعه به این مسئله توجه داشته و برخی اموالی را که جز ضروریات زندگی مدیون می‌باشد از توقیف معاف کرده است مستثنیات دین اموالی است که قابل توقیف نمی‌باشد.

اصل برپرداخت دین و رعایت حق الناس است و استثنائات بالا و در واقع مستثنیات دین مفهوم این ضرب المثل است که چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است طبیعی است که این حوزه در بستر زمان تغییر می‌کند زیرا نیازهای انسانها تغییر می‌کند. مستثنیات دین حاصل تعارض منفعت مدیون با منفعت طلبکار است (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۱).

معمولاً محکوم علیه تمایل به اجرای داوطلبانه حکم ندارد لذا محکوم له مجبور است با توسل به اجرای قضایی و معرفی اموال محکوم علیه و توقیف و مزایده اموال او حکم را اجرا کند. اما این بدان معنا نمی‌باشد که ضروریات زندگی مدیون هم وارد این اموال معرفی شود لذا شرع مقدس اسلام و قوانین موضوعه به این مساله توجه داشت و برخی اموال را که جزو ضروریات زندگی مدیون می‌باشد از توقیف معاف کرده است.

در این جا با سوالی مواجه می‌شویم آنکه آیا مستثنیات دین در مورد اشخاص حقوقی نیز رعایت می‌شود؟ در پاسخ باید گفت با توجه به مبنای وضع مستثنیات دین که حمایت از شخص مدیون می‌باشد و از آنجا که اشخاص حقوقی یک نفر نمی‌باشد لذا رعایت مستثنیات دین در مورد اشخاص حقوقی مطالبه به انتفاع موضوع بوده و اعمال نمی‌گردد فقط در صورتیکه اموال شرکت کفاف بدهی‌های آنها را ندارد و یا ورشکسته شده شرکا و مسئولیت تضامنی داشته و طلبکاران به آنها مراجعه کرده باشند در خصوص توقیف اموال شریک ضامن مستثنیات دین رعایت می‌گردد.

مستثنیات دین ریشه در فقه اسلامی نیز دارد از آن جمله روایت عثمان بن زیاد است که به امام صادق می‌گوید: کسی به من بدهکار است و می‌خواهد منزل خود را بفروشد و

طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین.....۳۰۴

دین خود را ادا کند. امام صادق علیه السلام فرمود: به خدایت پناه ببر از اینکه او را از سرپناه مسکونیش بیرون کنی و این سخن را سه بار تکرار کرد.

در روایت ابن ابی عمیر است که می گوید: یعنی نمی توان شخص مدیون را به دلیل عدم توانایی پرداخت دیونش از محل سکونتش بیرون کرد و فقهای امامیه علاوه بر منزل مسکونی، نفقه، البسه، اثاثیه، وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شئون شخصی را هم از مستثنیات دانسته اند و علت و فلسفه قید مستثنیات را جلوگیری از مشقت و مضیقه ذکر کرده اند و گفته هر چیزی که ایشان را به مشقت و مضیقه اندازد جایز نیست.

در تفسیری که کمیسیون وزارت عدلیه در فروردین سال ۱۳۰۰ از ماده ۶۳۰ محاکمات بدست داد اینکه منزل مسکونی نیز جزو مستثنیات دین است و علت آنرا این گفته چون ماده ۶۳۰ راجع به توقیف اموال منقول است تعرض به خانه مسکونی نشده و الا آن نیز از مستثنیات دین است ولی در عمل قضات این تفسیر را قبول نداشته و مسکن را جزو مستثنیات محسوب نمی نمودند.

#### ۵-۱. قانون حاکم بر نوآوری و تغییرات در حوزهی مستثنیات دین سال ۱۳۹۴

در قانون جدید ن.ا.م.م. با توجه به مقتضیات و اوضاع و احوال و شرایط اقتصادی تغییراتی در مصادیق اموال در زمره مستثنیات دین ایجاد شده است قانون گذار در قوانین مختلف تعریقی از مستثنیات دین ارائه نکرده و تنها به بیان مصادیق و ممنوعیت توقیف آن پرداخته است. مطابق شرح ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی....

در اینجا قابل ذکر است که تعیین تکلیف وضع منازل مسکونی مشمول طرح های عمرانی که به عنوان مستثنیات دین پذیرفته شده اند ولی عوض پرداختی از سوی دولت مشمول مستثنیات دین نخواهد شد، موضوع بحث است. قبول مستثنیات دین توسط قانونگذار امری استثنایی است و نمی توان آن را بیش از متن قانون تسری داد. و تبصره ۲ ماده ۲۴ ق.ن.ا.م.م. قانون جدید با تأیید این نظریه به شرح زیر انشاء شده است:

۳۰۵.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

«چنانچه به حکم قانون، مستثنیات دین، تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح های عمرانی، تبدیل به پول نقد گردد یا در اثر از بین رفتن عوضی دریافت شده باشد وصول محکوم به از آن امکان پذیر است مگر اینکه قصد مدیون به تهیه موضوع نخستین احراز شود».

#### ۲-۵. تعرفه مستثنیات دین از طرف محکوم له و محکوم علیه

بررسی این مسئله مطابق ماده ۵۲۳ ق.ا.د.م. در کلیه مواردی را که رأی دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می شود اجرای رأی از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع می باشد، لذا در اجرای رأی می بایست مستثنیات دین لحاظ گردد و محکوم له نمی تواند در اجرای رأی صادره مالی را معرفی که جز مستثنیات دین باشد با این وجود عدم امکان معرفی اموال محکوم علیه که مشمول عنوان مذکور باشد، ناشی از سیاستی حمایتی قانونگذار از محکوم علیه بوده و دارای مبانی دینی می باشد لذا امکان دارد که محکوم علیه راساً در اجرای ماده ۳۴ ق.ا.د.م. نسبت به معرفی اموال خود به دایره اجرا جهت وصول محکوم به اقدام نماید در این صورت فلسفه حمایتی مذکور بدون مبنا می باشد. زیرا محکوم علیه ضمن معرفی این اموال به وصول محکوم به از آن رضایت داده و خود را بی نیاز از این حمایت دانسته است همچنان که محکوم علیه می تواند پس از ابلاغ اخطار به اموال مذکور را فروخته و وجه حاصل از آن را در جهت ایفاء دین به قسمت اجرا پرداخت نماید.

حال در صورتیکه محکوم له و محکوم علیه سابقاً در زمان معامله، قراردادی مبنی بر امکان وصول مطالبات و محکوم به از مستثنیات دین منعقد نمایند، این سوال مطرح می گردد که این قرارداد تا چه حد دارای اعتبار می باشد؟ برخی در رد قرارداد مذکور به اطلاق ماده ۵۲۴ ق.ا.د.م. و امره بودن آن استناد کرده و به استناد ماده ۱۰ ق.م. قرارداد مخالف با نظم عمومی و قانون امره را باطل می دانند. در مقابل عده ای بر مبنای قاعده اقدام واصل صحت و لزوم قراردادها و قاعده تسلیط به جواز آن رأی داده اند. کمیسیون قضایی (۴) مدنی نظر دوم را تأیید نموده است (مجموعه قسمت های قضایی، ۱۳۹۲: ۱۰۴۵)؛ مطابق ماده ۴ ق.ن.ا.م.م. معرفی مالی که تکافوی محکوم به، را بنماید مانع حبس محکوم علیه می باشد حال آن مال جزء مستثنیات دین هم باشد چون با

طرق شناسایی اموال در اعسار و مستثنیات دین.....۳۰۶

رضایت محکوم علیه و معرفی ایشان بوده و ترتیب اثر داده می‌شود (جهانیان، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

در اینجا با سؤالاتی در خصوص اموال در قاعده مستثنیات دین روبرو می‌شویم: آیا در عمل به شرط تنصیف دارایی هم قاعده مستثنیات دین جاری است؟

گروهی از وکلای دادگستری در نشست حقوقی در تیرماه ۱۳۹۷ نظر به منتفی شدن این شرط دارند. ولی با تحقیق و بررسی به نظریات دیگری دست پیدا خواهیم کرد که با لحاظ نمودن مستثنیات دین برای شرط تنصیف دارایی تا حدی از انصاف فاصله خواهیم گرفت. چرا که تحمل سختی‌های زندگی مشترک تا رسیدن زوجین به منزل، اتومبیل و یا پیشرفت شغلی زوج، با مشارکت زوجین بوده است و حال در هنگام تقسیم و تنصیف دارایی به یکباره، زن را از نصف اموال به بهانه مستثنیات دین شاید محروم ساخت.

وانگهی، این حق یک حق عینی است و در مقابله با حق دینی قرار دارد، مستثنیات دین فقط در حق دینی قابل اجرا است و نه در حق عینی زوجه به نفعه اموال زوج.

در صورتی که قائل به منتفی شدن شرط تنصیف دارایی بشویم، در بسیاری از موارد، شرط تنصیف دارایی بلااثر خواهد شد.

آیا به اجاره داخل ملک مورد بازداشت آن را از شمول مستثنیات دین خارج می‌کند؟

در برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند از آنجا که در ماده ۵۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی و در حال حاضر ماده ۲۴ ق.ن.ا.م.م. سال ۱۳۹۳ سکونت شخصی مدیون، شرط این نیست که ملکی در شمار مستثنیات دین قرار گیرد پس در اجاره بودن ملک را باعث خروج از شمول مستثنیات دین نمی‌دانند.

نظریه مشورتی شماره ۳/۲/۱۳۹۰۰۵۷۰/۷۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مؤید این نظر است.

مطابق بند الف ماده ۵۲۴ ق.آ.د.م. مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل او با رعایت عرف، از مستثنیات دین محسوب می‌شود و ملاک تشخیص نیاز محکوم علیه و عائله اوست.

۳۰۷....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

شورای نگهبان نیز در نظریه شماره ۵۱۱/۲۱/۷۶ مورخ ۷۶/۲/۳۱ خود اشاره ای به لزوم تصرف ننموده و صرف مسکن را از مستثنیات دین می‌داند.

حال اگر با اجاره دادن ملک و با وجه آن نسب به اجاره منزل دیگری اقدام نماید و در واقع مقدمه ای برای اجاره منزل در حد عرفی باشد، امکان توقیف و وصول اجاره بها به طلبکار وجود ندارد.

اما این نظر با روح و متن قانون سازگار نیست چرا که مستثنیات دین در قانون تعریف شده است و به نظر اکثر حقوقدانان امکان توقیف و مطالبه مبلغ اجاره بهای منزل تحت مالکیت مدیون وجود دارد.

### نتیجه گیری

با وضع این قانون، قانون‌گذار در مسیر استیفای حقوق محکوم‌له و استفاده از طرق متعدد در جهت شناسایی اموال محکوم‌علیه اراده نموده است. قانون جدید اجرای محکومیت‌های مالی در زمینه حذف ضمانت اجرای بازداشت محکومین مالی و الغاء حبس بدهکاران، فاقد دستاوردهای قابل اعتنا بوده و صرفاً ضمانت اجرای بازداشت محکومین مالی را تعدیل کرده است. قانون جدید از حیث پیش‌بینی راهکارها، ابزارها و ضمانت اجرای مدنی، باعث توسعه طرق شناسایی اموال و اجرای احکام صادره در زمینه محکومیت‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی شده و عمده راه‌های فرار محکوم‌علیه از زیر بار اجرای حکم محکومیت را مسدود کرده و نسبت به قانون سابق ابهامات کمتری دارد. اجرای این قانون اعتبار بیشتری برای احکام صادره از مراجع قضایی و بالتبع دستگاه قضایی ایجاد کرده و اعتماد مردم به دستگاه قضایی و امید به احقاق حق را افزایش می‌دهد و با توجه به راهکارهای بسیار مؤثری که در این قانون برای اجرای حکم و شناسایی اموال و اندوخته‌های محکوم‌علیه وجود دارد، پیش‌بینی ضمانت اجرای بازداشت محکوم‌علیه، سایر راهکارها و ضمانت اجراها را تحت الشعاع قرار داده و محکوم‌له را ترغیب به پیگیری و اعمال ضمانت اجرای بازداشت خواهد کرد. در قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های که در سال ۱۳۹۳ تصویب شد به موجب این قانون برای اجرای محکوم‌به، ضمانت اجرای بازداشت مجدداً پیش‌بینی شد. اما بازداشت محکوم‌علیه به لحاظ عدم پرداخت آن، محدود شد.

در قانون جدید گذاشتن بار معرفی اموال به دوش محکوم‌له امری است که پسندیده نیست و قدرت اجرایی قوه قضاییه را در نزد مردم مخدوش ساخته است. این ناتوانی از سوی محکوم‌له در شناسایی و معرفی مال محکوم، باعث سودجویی بسیاری از اشخاص سوءاستفاده‌گر می‌شود تا از این طرق صاحب ثروت نامشروع بسیار شده و از عواقب قانونی نیز هراسی نداشته باشد.

قابل به ذکر است که در قانون جدید، تمامی مؤسسات اعم از دولتی و خصوصی موظف به همکاری با محکوم‌له شده‌اند تا برای شناسایی و اجرای حکم بتواند با کمترین صرف وقت به حق خود برسد. می‌توان این گونه گفت که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره راهنمایی و رانندگی، بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار و تمامی مؤسسات اعم از دولتی و خصوصی ارگان‌هایی هستند که می‌توانند با در اختیار قراردادن اطلاعات در دست یک سازمان مستقل دیگر امر وصول مطالبات را ممکن ساخته و تکلیف و الزام مراجع قضایی به محکوم‌له در شناسایی و تحویل مال را در دستور خود قرار داده و تمهیدات لازم را فراهم ساخته تا با این کار امنیت معاملات تجاری را در کشور ایجاد کنند.

این قانون به نوبه خود ضمن نوآوری و تعدیل مقررات سابق در دراز مدت اثرات قابل توجهی در روابط مالی و اقتصادی جامعه به جا خواهد گذاشت و به نوعی امنیت و تسهیل در سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت و برای افراد جامعه که همواره نیم‌نگاهی به تضمینات قانونی دیون و تعهدات خود در آینده دارند و با توجه به این وثائق قانونی، دست به معاملات، تجارت و ارتباطات حقوقی می‌زنند دارای نوآوری‌ها و تحولات ملموسی می‌باشد و به مهم‌ترین تغییرات در قانون موصوف می‌توان به نظام شناسایی اموال، تغییر بار اثبات اعسار، تعیین تکلیف نحوه تقسیط دیون، اعسار به تقصیر، باز تعریف مصادیق مستثنیات دین با توجه به نیازهای روز و بسیاری امور دیگر اشاره کرد که با وجود مطالب گفته شده نارسایی‌هایی هم در این قانون وجود دارد ولی در مجموع نسبت به قوانین گذشته توانسته است معیارهای بیشتری را برای تحقق اجرای مؤثر رأی فراهم کند.

۳۰۹....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

## منابع

۱. بیگدلی، سعید(۱۳۹۴). تعدیل قرارداد، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم.
۲. بهرامی، محمد رضا(۱۳۹۴). بایسته‌های ق.ن.ا.م.م، تهران، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
۳. شاه حسینی، رضا(۱۳۹۰). آیین رسیدگی به مستثنیات دین، فصلنامه قضاوت، شماره ۴۴.
۴. حسنی، علیرضا و اسماعیلی، حمیدرضا(۱۳۹۴). بررسی قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب سال ۱۳۹۴، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش‌های نیاز محور، مشهد، مؤسسه فراز اندیشان دانش بین‌الملل.
۵. حیاتی، علی عباس(۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم.
۶. جهانیان، مجتبی(۱۳۹۵). قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در نظم کنونی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۷. خدابخشی، عبدالله(۱۳۹۲). حقوق حاکم بر اجرای آرای مدنی، انتشارات میزان، چاپ اول.
۸. گرامی، حسین و فروغی محمد(۱۳۹۴). شرح ماده به ماده قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۹. مشهدی‌زاده، علیرضا، اکبری، حامد(۱۳۹۵). بررسی نوآوری دست‌آوردهای قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۰. مجموعه قسمت‌های قضایی: مسایل آیین دادرسی مدنی ۲(۱۳۹۲). زیر نظر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۱۱. مهاجرانی، علی(۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ پنجم.